

فصل اول: تعریف و موضوع روانشناسی رشد

➤ به دلیل استفاده از سایر حوزه‌های علمی مانند جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، ژنتیک رفتاری و طب کودکان، حوزه‌ای بین رشته‌ای تلقی می‌شود.

روانشناسی رشد: به علم مطالعه رشد انسان از زمان بسته شدن سلول نطفه تا هنگام مرگ گفته می‌شود.

✓ تاکید اساسی در این حوزه بر تغییرات مشترک در شکل ظاهری، رفتار، علایق و اهداف هر مرحله از رشد و همچنین زمان بروز این تغییرات، عوامل موثر بر آنها و همگانی یا فردی بودن آنها است.

✓ تغییرات رشدی، معمولاً بصورت منظم و پایدار و نه تصادفی و موقتی و پیش‌رونده و نه بازگشتی صورت می‌گیرد.

➤ برخی فلاسفه و دانشمندان در گذشته دیدگاه افراطی به تاثیر طبیعت و برخی دیگر به تاثیر تربیت در رشد داشته‌اند.

➤ رفتارگرایان، انسان را موجودی منفعل و متأثر از عوامل محیطی و نضج‌گرایان، انسان را مقهور عوامل طبیعی و سرشتی می‌دانند.

➤ شناخت‌گرایان، انسان را موجودی فعال می‌دانند که مدام درگیر جمع‌آوری، اندوختن و تعبیر و تفسیر اطلاعاتی است که از درون یا بیرون دریافت می‌کند.

روانشناسی کودک:

✓ یکی از زیرمجموعه‌های روانشناسی رشد محسوب می‌شود.

✓ دوره کودکی را از بدو تولد تا ۱۲ - ۱۳ سالگی می‌دانند.

✓ اولین مطالعات در روانشناسی رشد، در زمینه کودکان صورت گرفته است.

اهمیت روانشناسی کودک:

✓ بسیاری از روانشناسان معتقدند سال‌های اولیه رشد آدمی، تاثیری سرنوشت‌یاز بر شخصیت وی دارد.

✓ طولانی بودن مدت رشد در دوره کودکی باعث می‌شود کیفیت عادات و رفتارهای عقلی، عاطفی، اجتماعی و اخلاقی فرد در این دوره تعیین شود.

✓ شیوه فرزندپروری که حاصل تعامل با مراقبان است سبب ظهور و بروز استعدادهای کودک می‌شود.

✓ دلایل عمده توجه بیشتر به دوره کودکی عبارتند از ملاحظات عملی و سهولت دسترسی.

✓ رویکرد عمرنگر جانشین توجه صرف به کودکان و نوجوانان شده است.

نمونه: افزایش قد و وزن و یا اندازه فیزیکی را گویند.

نضج: رسیدن به حدی از توانایی عملی است که انجام یک الگوی رفتاری خاص را ممکن می‌سازد.

✓ نضج امری نسبی بوده که تحت تاثیر تکامل نظام عصبی و ساختارهای بدنی و روانی و استعدادهای فردی صورت می‌گیرد و تجربه و یادگیری بر آن بی‌تاثیر است.

تکامل: پیدایش تغییرات تدریجی در یک موجود تکامل پذیر برای به فعلیت رسیدن کمال است.

تحول: به هر نوع تغییری گفته می شود که در طول زمان بوجود می آید.

✓ مفهومی عام تر از رشد و شامل آن نیز می شود.

تعاریف رشد:

۱. زنجیره ای از تغییرات مرتبط با سن است که وقتی فرد از لقاح تا مرگ پیش می رود، روی می دهد. فرآیندی منظم و تراکمی بوده که هم تغییرات زیستی و هم تغییرات رفتاری را شامل می شود.

۲. عبارت است از یک سلسله تغییرات پی در پی که برای رسیدن به هدف واحدی که تکمیل نضج است صورت می گیرد.

۳. عبارت است از تغییرات در ساخت بدنی، عصبی، رفتار و نشانه های ویژه شخص که همه به ترتیب بروز می کنند و در حد معقولی با ثبات هستند.

۴. تغییرات فزاینده ای است که بصورت منظم و مرتبط باهم صورت می گیرد.

۵. عبارت است از تغییرات کمی و کیفی نسبتا پایدار، مستمر و فراگیر در قابلیت ها که تحت تاثیر نضج و تعامل آن با محیط در قالب الگویی منسجم صورت می پذیرد و مستلزم وحدت پیچیدگی ها و کنش هاست (تعریف جامع تر).

تاریخچه روانشناسی رشد:

✓ در گذشته باور بر این بوده که کودکان بصورت افرادی پیش ساخته اما مینیاتوری به دنیا می آیند.

✓ تا سده ۱۴ میلادی، کودکان در نقاشی ها با تناسب بدنی و ویژگی های بزرگسالان اما در اندازه های کوچکتر ترسیم می شدند.

✓ برخی، علت بی توجهی به کودکان بعنوان موجودی ویژه را مرگ و میر زودرس آنان و دودلی و درنگ والدین دانسته و برخی دیگر به خودپسندی های بزرگسالان نسبت داده اند.

✓ در قرون ۱۶، ۱۷ و ۱۸ کودکان را همانند جانوران دست آموز تلقی می کردند و تربیت ایشان برای رهایی از ذات شیطانی و رسیدن به رستگاری، با تنبیهات شدید همراه بود.

ریشه های فلسفی (جان لاک و ژان ژاک روسو):

✓ جان لاک در قرن ۱۸ اظهار داشت که تجارب اولیه کودکی، زندگی فرد را عمیقا تحت تاثیر قرار می دهد.

✓ از دیدگاه لاک، ذهن کودک در ابتدا یک لوح نانوشته (صفحه سفید) بوده و محتوای ذهن با یادگیری و تجربه شکل می گیرد. به همین دلیل، به نقش والدین بعنوان مربی کودک تاکید زیادی داشت.

✓ روسو با دیدگاه لاک مبنی بر اینکه کودکان با بزرگسالان متفاوتند، موافق بود.

✓ از نظر روسو، کودکان، افکار و احساسات خاص خود را دارند که باید مورد توجه قرار گیرد.

✓ روسو برخلاف لاک، معتقد به قدرت محیط اجتماعی در شکل دادن به رفتار نبود. بلکه معتقد بود بجای آموختن اندیشه ها به کودکان، باید به آنان فرصت داد تا به روش خود و آنگونه که میل طبیعت شان است، بیاموزند.

✓ کتاب امیل از روسو، در زمینه رشد و آموزش کودک نوشته شده است.

✓ لاک و روسو اولین فیلسوفانی بودند که تاثیر مستقیمی بر روانشناسی کودک داشته و درباره تفاوت کودکی با بزرگسالی و طبیعت در برابر تربیت، اظهار نظر کرده‌اند.

پدر بزرگ روش علمی (چارلز داروین):

✓ با انتشار کتاب خود در سال ۱۸۵۹ به نام اصل انواع و با موضوع رشد، شیوه تفکر درباره انواع را تغییر داد.
✓ به عقیده داروین، تحول تکاملی فرد از زمان بسته شدن سلول نطفه تا رشد کامل، تحول تکاملی نوع از آغاز پیدایش تا امروز را به نمایش می‌گذارد.
✓ داروین علاوه بر اینکه بنیادی نظری برای مطالعه رفتار کودکان ارائه داد، روشی مفید نیز برای گردآوری اطلاعات در این زمینه معرفی کرد.

تجدید خاطره اجدادی (استنلی هال):

✓ نگرش داروین را در حوزه مطالعه رفتارهای انسانی بکار گرفت و علاقه‌مند به مطالعه کودکان و نوجوانان بود.
✓ روش او در جمع‌آوری اطلاعات مبتنی بر خودنگاشت بزرگسالان و یا اطلاعاتی بود که آنان درباره فرزندان خود در اختیار وی قرار می‌دادند.
✓ روش هال به دلیل اینکه مبتنی بر مشاهدات تجربی نبود، منجر به ارائه دیدگاه مشخصی نشد.

اولین آزمون‌های هوشی (آلفرد بینه و توفیل سیمون):

✓ اولین مطالعات در حوزه روانشناسی کودک از طریق کاربرد وسیله‌ای علمی، در کشور فرانسه و توسط بینه و سیمون انجام شد.
✓ این ۲ نفر اولین آزمون‌های هوشی استاندارد را برای تشخیص کودکان کم‌هوش طراحی نمودند.

نظریه نضجی (آرنولد گزل):

✓ بنیانگذار کلینیک کودک در آمریکا و سردبیر علمی مجله روانشناسی ژنتیک بود.
✓ همانند روسو، رشد را ناشی از عوامل ذاتی می‌دانست که به شکل متوالی، منظم و سازمان‌یافته به پیش می‌رود.
✓ با اعتقاد به تاثیر عوامل ژنتیکی بر رشد، به این نتیجه رسید که عوامل محیطی قادر به تغییر ویژگی‌های ژنتیکی نبوده و نظریه نضجی را ارائه کرد.
✓ در این نظریه، بیشتر تغییرات رشد کودکان، در طبیعت آنان نهفته است و همراه با نضج آشکار می‌شود.
✓ گزل، بانی هنجاریابی برای روند رشد کودکان با استفاده از آینه‌های یک طرفه و دوربین‌های فیلمبرداری است.

رشد روانی - جنسی (زیگموند فروید):

✓ به اعتقاد وی، کودکان با تمایلات جنسی زاده می‌شوند و کودکی، دوره‌ای متمایز، پیچیده و پر از تعارض‌های روانشناختی است.
✓ به عقیده فروید، تجارب کودک در ۵ - ۶ سال اول عمر در ناخودآگاه وی انباشته می‌شود و تاثیری سرنوشت‌ساز بر رشد شخصیت وی می‌گذارد.
✓ ذهن آدمی را به بخش‌های ناآگاه، نیمه‌آگاه و آگاه تقسیم نمود.